

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی تطبیقی نسخ با تکیه بر قرآن، حدیث و عهدین

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر جعفر نکونام

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عزت الله مولایی نیا

نگارنده:

لیلا حسینی

زمستان ۸۸

تشکر و قدردانی

سپاس خدایی را که قرآن را با جاذبه‌های زیبایش، چراغ هدایت بشر قرار داد.

سپاس از استادانی که از دانش آنان بهره‌مند شده؛ به ویژه **جناب آقای دکتر نکونام** که صبورانه با راهنمایی‌های فراوانش مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند. همچنین تشکر می‌کنم از **جناب آقای دکتر مولایی‌نیا** که لطف خود را از اینجانب دریغ نکرده و مرا از مشاوره‌های خود بهره‌مند ساختند.

سپاس از پدر و مادر مهربانم که در تمام دوران زندگی‌ام مرا یاری نمودند و سپاس از همسر بزرگوaram که با فداکاری و محبت‌های خود، همواره مشوق من بودند و صبورانه در نگارش این پایان نامه با من همکاری نمودند.

چکیده

این پژوهش دربارهٔ نسخ بین‌الادیانی است و آن ناظر به این است که آیا شریعت لاحق می‌تواند ناظر بر نسخ برخی از احکام شریعت سابق باشد و اگر چنین است، در چه مواردی است. در این تحقیق، دو دسته از موارد نسخ بررسی شده است: یک دسته از آن‌ها مواردی است که قرآن به نسخ آن‌ها اشاره داشته است و دستهٔ دیگر در قرآن و حدیث از نسخ آن‌ها سخن نرفته است؛ اما درباره آن‌ها در دین اسلام و ادیان آسمانی پیشین، تباین به چشم می‌خورد و آن‌ها را با این پیش‌فرض که این تباین، نشانهٔ نسخ شرایع گذشته از سوی شریعت اسلامی است، مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین به بررسی تطبیقی نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام پرداخته شده و به وجوه افتراق و اشتراک نماز در این ادیان اشاره شده است؛ تا از طریق آن کشف شود که آیا در نماز، شروط و جزئیات آن، در میان ادیان نسخی رخ داده است یا نه. در بررسی صورت گرفته مشخص شد که نماز در هیچ کدام از این ادیان نسخ نشده است.

واژگان کلیدی: نسخ، قرآن، روایت، عهدین، تخفیف، تضییق، ابطال، نماز، ادیان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول
۳	کلیات
۳	۱.۱. تبیین مسئله
۳	۱.۲. سئوالات تحقیق
۴	۱.۳. فرضیه‌های تحقیق
۴	۱.۴. پیشینه تحقیق
۷	۱.۵. تعریف لغوی نسخ
۱۰	۱.۶. تعریف اصطلاحی نسخ
۱۳	۱.۷. نسخ از دیدگاه یهود و نصاری
۱۴	۱.۷.۱. نظریه انکار نسخ از سوی یهودیان
۱۵	۱.۷.۲. نظریه انکار نسخ از سوی مسیحیان
۱۸	۱.۸. قلمرو نسخ
۱۸	۱.۹. ادیان عربستان در عصر نزول
۱۸	۱.۹.۱. دین حنفیت در عربستان، عصر نزول
۲۰	۱.۹.۲. دین یهودیت در عربستان، عصر نزول
۲۱	۱.۹.۳. دین مسیحیت در عربستان، عصر نزول
۲۲	۱.۹.۴. دین صابئی در عربستان، عصر نزول
۲۳	۱.۹.۵. دین مجوس در عربستان، عصر نزول
۲۵	۱.۱۰. گوهر دین و نسخ میان دینی
۲۷	فصل دوم
۲۷	فلسفه نسخ بین الادیانی
۲۷	۱.۲. برداشتن سنت‌های باطل
۳۴	۲.۲. رعایت مصلحت و مقتضیات عصری
۳۸	فصل سوم
۳۸	نسخ‌های تخفیفی و تزیینی میان دینی مذکور در قرآن
۳۸	۱.۳. نسخ‌های تخفیفی میان دینی مذکور در قرآن
۳۸	۳.۱. اشاره قرآن به نسخ تخفیفی برخی از احکام قتل
۴۱	۳.۱.۲. اشاره قرآن به نسخ تخفیفی برخی از احکام روزه

- ۴۷ ۳. ۱. ۳. اشاره قرآن به نسخ تخفیفی برخی از احکام حائض و نفَساء
- ۵۰ ۳. ۱. ۴. اشاره قرآن به نسخ برخی از احکام قَسَم
- ۵۴ ۳. ۱. ۵. اشاره قرآن به نسخ تخفیفی برخی از احکام کتمان شهادت
- ۵۷ ۳. ۱. ۶. اشاره قرآن به نسخ تخفیفی برخی از احکام طهارت
- ۵۹ ۳. ۲. نسخ‌های تزییعی میان دینی مذکور در قرآن
- ۵۹ ۳. ۲. ۱. اشاره قرآن به نسخ تزییعی برخی از احکام تعدد زوجات
- ۶۲ ۳. ۲. ۲. اشاره قرآن به نسخ تزییعی برخی از احکام طلاق
- ۶۵ ۳. ۲. ۳. اشاره قرآن به نسخ تزییعی برخی از احکام سرقت
- ۷۱ ۳. ۲. ۴. اشاره قرآن به نسخ تزییعی برخی از احکام والدین

فصل چهارم

نسخ‌های ابطالی میان دینی مذکور در قرآن

- ۷۵ ۴. ۱. اشاره قرآن به نسخ ابطالی برخی از احکام مأکولات
- ۸۰ ۴. ۲. اشاره دیگر قرآن به نسخ ابطالی برخی از احکام طلاق
- ۸۳ ۴. ۳. اشاره قرآن به نسخ ابطالی احکام زنان بیوه
- ۸۶ ۴. ۴. اشاره قرآن به نسخ ابطالی حکم قبله
- ۹۱ ۴. ۵. اشاره قرآن به نسخ ابطالی برخی از احکام ارث
- ۹۸ ۴. ۶. اشاره قرآن به نسخ ابطالی احکام مهریه
- ۱۰۱ ۴. ۷. اشاره قرآن به نسخ ابطالی رهبانیت

فصل پنجم

نسخ‌های میان دینی غیر مذکور در قرآن

- ۱۰۷ ۵. ۱. نسخ احکام غنیمت در قرآن
- ۱۱۴ ۵. ۲. نسخ احکام حج در قرآن
- ۱۱۸ ۵. ۳. نسخ یوم سبت در قرآن
- ۱۲۳ ۵. ۴. نسخ احکام زکات در قرآن
- ۱۲۸ ۵. ۵. نسخ احکام قتل غیر عمد در قرآن

فصل ششم

بررسی تطبیقی شروط نماز و اجزاء نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام

- ۱۳۲ ۶. ۱. بررسی تطبیقی شروط نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۳۲ ۶. ۱. ۱. طهارت در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۳۳ ۶. ۱. ۱. ۱. طهارت در نماز در دین یهودیت
- ۱۳۴ ۶. ۱. ۱. ۲. طهارت در نماز در دین مسیحیت

- ۱۳۶ ۶. ۱. ۱. ۳. طهارت در نماز در دین اسلام
- ۱۳۸ ۶. ۱. ۲. وضو برای نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۳۸ ۶. ۱. ۲. ۱. وضو برای نماز در دین یهودیت
- ۱۳۹ ۶. ۱. ۲. ۲. وضو برای نماز در دین مسیحیت
- ۱۳۹ ۶. ۱. ۲. ۳. وضو برای نماز در دین اسلام
- ۱۴۰ ۶. ۱. ۳. جهت قبله برای نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۴۱ ۶. ۱. ۳. ۱. جهت قبله برای نماز در دین یهودیت
- ۱۴۱ ۶. ۱. ۳. ۲. جهت قبله برای نماز در دین مسیحیت
- ۱۴۱ ۶. ۱. ۳. ۳. جهت قبله برای نماز در دین اسلام
- ۱۴۲ ۶. ۱. ۴. وارد شدن در وقت نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۴۳ ۶. ۱. ۴. ۱. وارد شدن در وقت نماز در دین یهودیت
- ۱۴۳ ۶. ۱. ۴. ۲. وارد شدن در وقت نماز در دین مسیحیت
- ۱۴۳ ۶. ۱. ۴. ۳. وارد شدن در وقت نماز در دین اسلام
- ۱۴۴ ۶. ۱. ۵. پوشش نمازگزار در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۴۴ ۶. ۱. ۵. ۱. پوشش نمازگزار در دین یهودیت
- ۱۴۶ ۶. ۱. ۵. ۲. پوشش نمازگزار در دین مسیحیت
- ۱۴۷ ۶. ۱. ۵. ۳. پوشش نمازگزار در دین اسلام
- ۱۴۸ ۶. ۱. ۶. مست نبودن در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۴۸ ۶. ۱. ۶. ۱. مست نبودن در نماز در دین یهودیت
- ۱۴۹ ۶. ۱. ۶. ۲. مست نبودن در نماز در دین مسیحیت
- ۱۵۰ ۶. ۱. ۶. ۳. مست نبودن در نماز در دین اسلام
- ۱۵۰ ۶. ۲. بررسی تطبیقی اجزای نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۵۰ ۶. ۲. ۱. قیام در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۵۰ ۶. ۲. ۱. ۱. قیام در نماز در دین یهودیت
- ۱۵۱ ۶. ۲. ۱. ۲. قیام در نماز در دین مسیحیت
- ۱۵۱ ۶. ۲. ۱. ۳. قیام در نماز در دین اسلام
- ۱۵۳ ۶. ۲. ۲. تکبیر نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۵۳ ۶. ۲. ۲. ۱. تکبیر نماز در دین یهودیت
- ۱۵۳ ۶. ۲. ۲. ۲. تکبیر نماز در دین مسیحیت
- ۱۵۳ ۶. ۲. ۲. ۳. تکبیر نماز در دین اسلام
- ۱۵۴ ۶. ۲. ۳. قرائت در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
- ۱۵۵ ۶. ۲. ۳. ۱. قرائت در نماز در دین یهودیت

۱۵۶	۲.۳.۲.۶. قرائت در نماز در دین مسیحیت
۱۵۸	۳.۳.۲.۶. قرائت در نماز در دین اسلام
۱۵۹	۴.۲.۶. رکوع در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۵۹	۱.۴.۲.۶. رکوع در نماز در دین یهودیت
۱۶۰	۲.۴.۲.۶. رکوع در نماز در دین مسیحیت
۱۶۱	۳.۴.۲.۶. رکوع در نماز در دین اسلام
۱۶۱	۵.۲.۶. سجده در نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۶۱	۱.۵.۲.۶. سجده در نماز در دین یهودیت
۱۶۲	۲.۵.۲.۶. سجده در نماز در دین مسیحیت
۱۶۳	۳.۵.۲.۶. سجده در نماز در دین اسلام
۱۶۳	۶.۲.۶. قنوت نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۶۳	۱.۶.۲.۶. قنوت نماز در دین یهودیت
۱۶۴	۲.۶.۲.۶. قنوت نماز در دین مسیحیت
۱۶۴	۳.۶.۲.۶. قنوت نماز در دین اسلام
۱۶۵	۷.۲.۶. تشهد و سلام نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۶۵	۱.۷.۲.۶. تشهد و سلام نماز در دین یهودیت
۱۶۵	۲.۷.۲.۶. تشهد و سلام نماز در دین مسیحیت
۱۶۵	۳.۷.۲.۶. تشهد و سلام نماز در دین اسلام
۱۶۷	فصل هفتم
۱۶۷	بررسی تطبیقی نمازهای یومیه، نماز جماعت و انواع نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۶۷	۱.۷. بررسی تطبیقی نمازهای یومیه در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۶۷	۱.۱.۷. نمازهای یومیه در دین یهودیت
۱۷۹	۲.۱.۷. نمازهای یومیه در دین مسیحیت
۱۸۳	۳.۱.۷. نمازهای یومیه در دین اسلام
۱۸۸	۲.۷. بررسی تطبیقی نماز جماعت در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۸۸	۱.۲.۷. نماز جماعت در دین یهودیت
۱۸۹	۲.۲.۷. نماز جماعت در دین مسیحیت
۱۹۰	۳.۲.۷. نماز جماعت در دین اسلام
۱۹۱	۳.۷. بررسی تطبیقی انواع نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام
۱۹۱	۱.۳.۷. انواع نماز در دین یهودیت
۱۹۱	۱.۱.۳.۷. نماز سبت در دین یهودیت
۱۹۲	۲.۱.۳.۷. نماز تسابیح (دعای قادیش) در دین یهودیت

۱۹۲	۳.۱.۳.۷. نماز باران در دین یهودیت
۱۹۲	۴.۱.۳.۷. نماز استغاثه در دین یهودیت
۱۹۳	۵.۱.۳.۷. نماز اعتراف به گناه در دین یهودیت
۱۹۳	۶.۱.۳.۷. نماز حمد در دین یهودیت
۱۹۳	۷.۱.۳.۷. نماز اول ماه (دعای هجودش) در دین یهودیت
۱۹۴	۸.۱.۳.۷. نماز برای رهایی (یعلیه قیافو) در دین یهودیت
۱۹۴	۹.۱.۳.۷. نماز طرح خطاها (تخلیخ) در دین یهودیت
۱۹۴	۱۰.۱.۳.۷. نماز میت در دین یهودیت
۱۹۵	۱۱.۱.۳.۷. نماز برای حکومت در دین یهودیت
۱۹۵	۲.۳.۷. انواع نماز در دین مسیحیت
۱۹۶	۱.۲.۳.۷. نیایش شامگاهان در دین مسیحیت
۱۹۷	۲.۲.۳.۷. نیایش صبحگاهان در دین مسیحیت
۱۹۹	۳.۲.۳.۷. نیایش طلوع در دین مسیحیت
۱۹۹	۴.۲.۳.۷. نیایش نیمروز در دین مسیحیت
۲۰۰	۵.۲.۳.۷. نیایش عصرگاهان در دین مسیحیت
۲۰۱	۳.۳.۷. انواع نماز در دین اسلام
۲۰۱	۱.۳.۳.۷. نماز شب در دین اسلام
۲۰۳	۲.۳.۳.۷. نماز مسافر در دین اسلام
۲۰۴	۳.۳.۳.۷. نماز خوف در دین اسلام
۲۰۴	۴.۳.۳.۷. نماز جمعه در دین اسلام
۲۰۵	۵.۳.۳.۷. نماز میت در دین اسلام
۲۰۵	۶.۳.۳.۷. نماز عیدین در دین اسلام
۲۰۷	نتیجه گیری
۲۰۸	فهرست آیات
۲۱۴	فهرست منابع

مقدمه

با نزول قرآن و تشریح دین اسلام، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در زمینه قرآن، موضوع ناسخ و منسوخ بود و از جمله این موضوع که آیا ادیان آسمانی ناسخ یکدیگر هستند؟ و به ویژه این که آیا دین اسلام ناسخ برخی از احکام دین یهودیت و مسیحیت می‌باشد؟

ادیان آسمانی بعد از ابراهیم(ع) ریشه در آیین وی دارند و اگرچه شریعت این ادیان با توجه به مقتضیات و مخاطبان عصری خود متفاوتند، اما در اصول و مبانی یکی هستند و همه آن‌ها هدف مشترکی داشته‌اند که همان احیاء دین بوده است.

این پژوهش در هفت فصل نگارش شده است. در فصل اول با عنوان « کلیات »، نخست تعریف لغوی و اصطلاحی نسخ بیان شده است، سپس به پیشینه نسخ بین‌الادیانی پرداخته شده، آن‌گاه دیدگاه یهود و نصاری در مورد نسخ بیان گردیده و بعد از آن به صورت خلاصه به قلمرو نسخ اشاره شده است و سپس ادیان موجود در عربستان عصر نزول و در نهایت گوهر دین بررسی شده است. در فصل دوم با عنوان « فلسفه نسخ میان دینی » به این سؤال پاسخ داده شده است که چرا یک دین، ناسخ شریعت‌ها و سنت‌های پیش از خود است؟ در فصل سوم با عنوان « نسخ تخفیفی و تضییقی میان دینی مذکور در قرآن »، به مواردی از نسخ شرایع گذشته پرداخته شده که در قرآن به تضییق یا تضییق آن‌ها اشاره شده است.

در فصل چهارم با عنوان « نسخ ابطالی میان دینی مذکور در قرآن » به مواردی از نسخ شرایع گذشته پرداخته شده است که در قرآن به ابطال آن‌ها اشاره گردیده است.

در فصل پنجم با عنوان « نسخ میان دینی غیر مذکور در قرآن »، به موارد تعارض اسلام با شرایع گذشته اشاره شده و این تعارض را نشانه نسخ شرایع گذشته از سوی شریعت اسلام دانسته و موارد آن ذکر شده است. فصل ششم به « بررسی تطبیقی شروط و اجزای نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام » و فصل هفتم به « بررسی تطبیقی نمازهای یومیه، نماز جماعت و انواع نماز در دین یهودیت، مسیحیت و اسلام » اختصاص دارد.

برای نگارش پایان‌نامه، نیاز بود که به کتاب‌های زیادی مراجعه شود، تا بتوان موارد نسخ را به دست آورد. از لابه لای کتاب‌های زیادی که بررسی می‌شد، یک یا دو کتاب فقط به موارد اندکی از نسخ، آن هم با شرح کوتاه و یا در مواقعی بدون شرح، فقط به موارد اندکی از نسخ اشاره داشتند و گاهی اگر یک کتاب به موردی از نسخ اشاره داشت، آن مورد در کتاب‌های دیگر نیز موجود بود؛ لذا برای دستیابی به موارد بیشتری از نسخ و نتیجه‌گیری بیش‌تر و ادامه یافتن کار، خود باید موارد دیگر را می‌یافتیم که برای این کار نیاز بود تا آیات زیادی از قرآن و

عهدین بررسی شود؛ در نتیجه به مواردی دست یافتیم که در کتاب‌های دیگر موجود نبود؛
مانند: موضوع مهریه، ارث، حرمت والدین، سرقت و...

فصل اول

کلیات

در این فصل به تبیین مسئله، سئوالات و فرضیه‌های تحقیق و پیشینه تحقیق و به دنبال آن به معنی لغوی و اصطلاحی نسخ و موارد دیگری که در ذیل به آن اشاره می‌شود، پرداخته شده است.

۱.۱. تبیین مسئله

در مکتوبات و مسموعات همواره می‌یافتیم که دین اسلام ناسخ ادیان گذشته است. به برخی از آیات و روایات نیز بر می‌خوریم که اسلام فلان حکم از ادیان سابق را نسخ کرده است؛ در عین حال ملاحظه می‌کردیم که قرآن، ادیان و کتب آسمانی سابق را تصدیق و تأیید می‌کند. این زمینه مطالعاتی ما را بر آن داشت که بررسی کنیم در قرآن و روایات به چه مواردی از نسخ بین‌الادیانی اشاره شده است. همچنین در قرآن و حدیث به احکامی اشاره شده که میان آنان در دین اسلام و ادیان آسمانی پیشین، تباین وجود دارد و آن‌ها را با این پیش فرض که این تباین، نشانه نسخ شرایع گذشته از سوی دین اسلام باشد، مورد بررسی قرار گرفته است؛ نیز برای نمونه نماز را در قرآن و عهدین مقایسه کردیم، تا برای ما مکشوف شود که آن در میان ادیان و کتب آسمانی چقدر با هم تفاوت دارد و آیا این تفاوت‌ها از قبیل نسخ بین‌الادیانی هست یا نه؟

۱.۲. سئوالات تحقیق

بنا برآنچه آمد، سئوالات تحقیق به این قرار است:

الف. سؤال اصلی: آیا دین اسلام ادیان آسمانی پیشین را نسخ کرده است؟ به چه دلیل و چرا

ب. سئوالات فرعی: برای پاسخ به سؤال اصلی، چند سؤال فرعی مرتبط با آن به این قرار

قابل طرح است:

۱. آیا در قرآن به مواردی از نسخ سایر ادیان تصریح یا اشاره‌ای شده است؟ اگر چنین است، آن‌ها کدام‌اند؟
۲. آیا مواردی از احکام سایر ادیان هست که با دین اسلام متفاوت باشد و در قرآن به نسخ آن‌ها تصریح یا اشاره نکرده باشد؟ نمونه‌هایی از آن‌ها کدام‌اند؟
۳. برای نمونه نماز در ادیان آسمانی قبل از اسلام، چگونه بوده است و چه تفاوت‌هایی با هم داشته‌اند؟
۴. علت و فلسفه نسخ بین‌الادیانی چیست؟

۱.۳. فرضیه‌های تحقیق

در زمینه سؤالات تحقیق به بررسی این فرضیات خواهیم پرداخت :

الف. فرضیه اصلی

چنین به نظر می‌رسد که با نزول قرآن و تشریح دین اسلام، برخی از احکام ادیان آسمانی پیشین نسخ شده‌اند.

ب. فرضیات فرعی

۱. در قرآن اشاراتی وجود دارد مبنی بر نسخ تخفیفی، تزیینی و ابطالی برخی از شرایع ادیان آسمانی پیشین.
۲. در قرآن و عهدین به احکامی اشاره شده است که با یکدیگر در تعارض‌اند و احتمال دارد که تعارض آنان، حمل بر نسخ آن احکام از سوی دین اسلام باشد.
۳. با بررسی نماز در دین اسلام و ادیان آسمانی پیشین به دست می‌آید که نماز در همه این ادیان دارای شروط و اجزایی بوده و هر کدام از این ادیان علاوه بر نمازهای یومیه و جماعت، نمازهای دیگری نیز دارند که اگر چه در تمام این موارد، در ادیان آسمانی اختلافات جزئی وجود دارد، اما اصول و شاکله اساسی آن یکی است و با نزول قرآن و تشریح دین اسلام، چیزی از نمازهای ادیان قبل نسخ نشده است.
۴. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین فلسفه نسخ بین‌الادیانی، برداشتن سنت‌های باطل و رعایت مصلحت و مقتضیات عصری می‌باشد.

۴.۱. پیشینه تحقیق

در خصوص ناسخ و منسوخ آیات قرآن که در واقع یکی از موضوعات مهم در حوزه علوم قرآن است، از زمان صدر اسلام تا به اکنون کتاب‌های زیادی نگاشته شده است؛ چنان‌که گفته شده است علی(ع) نخستین کسی بود که در مصحف خود به آیه‌های ناسخ و منسوخ اشاره کرده بود. بنابراین از صدر اسلام تا به اکنون، آنچه که مورد توجه و اهتمام بوده است، نسخ در حوزه آیات قرآن بوده و با گذر زمان از خلال توجه به ناسخ و منسوخ آیات، کم‌کم به موضوع نسخ شرایع، آن هم به صورت موجز توجه شده است. با این حال توجه به این موضوع نیز، به صورت مستقل نبوده است؛ بلکه نگارنده برخی از کتاب‌ها ضمن پرداختن به موضوع اصلی خود، تنها به برخی از موارد نسخ در شریعت‌های گذشته، آن هم به صورت ضمنی اشاره داشته‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

قدیمی‌ترین کتابی که به صورت محدود به نسخ شرایع اشاره داشته، کتاب نجم الدین بغدادی(م۷۱۶ق) است.

این نویسنده در ضمن پرداختن به موضوع اصلی کتاب، به نسخ حکم طلاق و تعدد زوجات در دین مسیحیت اشاره کرده، بدون اشاره به نسخ این دو موضوع در دین اسلام و بدون اشاره به نسخ موضوعات دیگر.^۱

پس از نجم الدین بغدادی، احمد بحرانی(م۱۳۳۶ق) در کتاب خود بعد از اشاره به آیات ناسخ و منسوخ، در ضمن اشاره به انکار پدیده نسخ از سوی یهود و نصاری و پاسخ به شبهه آنان، به مواردی از نسخ احکام یهودیت و مسیحیت اشاره کرده است.

بحرانی نسبت به نجم الدین بغدادی موارد بیش‌تری از نسخ را ذکر کرده است؛ مانند ازدواج، طلاق، سبت، مأكولات، سوگند و قصاص.

شایان ذکر است که بحرانی فقط به موضوعات نسخ و آدرس آیات اشاره داشته، بدون بیان توضیح و تفسیر آن‌ها.

کیرانوی(م۱۳۰۸ق) نیز در کتاب خود تنها سه یا چهار مورد از موارد نسخ احکام دین یهودیت و مسیحیت را که در کتاب‌های دیگر نیز آمده، ذکر کرده است.^۲

مصطفی زید در مقدمه کتابش در ضمن اشاره به بحث نظریه انکار نسخ یهود و نصاری، برخی از موارد نسخ شریعت یهودیت و مسیحیت، مانند این‌که در زمان قبل از موسی(ع)

۱. نجم الدین طوفی، الانتصارات الاسلامیة فی مقارنۃ الادیان، (القاهره، مکتبة الکلیات الازهریة، ۱۹۹۷م).

۲. رحمة الله بن خلیل الرحمن کیرانوی، اظهار الحق، ادق دراسة نقدیة فی اثبات وقوع التحریف و النسخ فی التوراة و الانجیل و ابطال عقیده التثلیث و الوهیة المسیح و اثبات اعجاز القرآن و نبوة محمد صلی الله علیه و السلم و الردعای شبه المستشرقین و المنصرین، ج ۲، (القاهره، دار الحرمین، ۱۳۸۱/۱۹۹۲م).

ازدواج با محارم جایز بوده و در شریعت موسی(ع) و عیسی(ع) نسخ شد و موضوع طلاق و نسخ شریعت عیسی(ع) توسط پولس را بیان کرده است.^۱

همچنین شعبان محمد اسماعیل بعد از ذکر نظریه یهود و نصاری در مورد نسخ در ادامه، تحت عنوان وقوع النسخ فی شرایع السابقة، بیان می کند که نسخ به دو صورت است؛ یا شریعت لاحق، شریعت سابق را نسخ می کند و یا در هر شریعتی، حکم لاحق، حکم سابق را نسخ می کند و به مواردی مانند: نسخ ازدواج با محارم، نسخ حلیت همه طعامها توسط شریعت موسی(ع) و نسخ حکم سوگند و قصاص توسط شریعت عیسی(ع) اشاره می کند.^۲

محور بحث کتاب محمد حمزه^۳ نیز به طور تقریبی همان مباحثی است که در کتاب مصطفی زید آمده است؛ با این تفاوت که کتاب زید در دو جلد به صورت مفصل و کتاب محمد حمزه در یک جلد به صورت خلاصه است.

درویش عطار نیز در کتاب خود به صورت بسیار مفصل به احکام یهودیت و مسیحیت، به خصوص دین یهود پرداخته و در خلال آن به مواردی از نسخ هم اشاره کرده است و در موضوعاتی که میان ادیان آسمانی مشترک است، آیات قرآن را نیز ذکر کرده است؛ با این وجود بنا به دلایلی این کتاب نیاز به تصحیح و یا نقادی دارد که از جمله این دلایل عبارتند از:

الف. در نسخ برخی از احکام یهودیت، به آیاتی از قرآن اشاره شده که در واقع با این کار قصد بیان نسخ آن حکم در شریعت اسلام را دارد، در حالی که بعد از بررسی مشخص می شود که این آیات و احکام یهودیت، نه تنها مرتبط با یکدیگر نیستند، بلکه ناظر بر نسخ هم نیستند و آن حکم در دین اسلام نسخ نشده است.

ب. مطالب این کتاب فاقد ارجاعات است؛ به نحوی که خواننده نمی داند که این مطالب از خود نویسنده است و یا نقل قول می باشد.^۴

در جدیدترین کتاب نیز علاء ابوبکر، تنها به نسخ احکام یهود در خود دین یهودیت و نسخ احکام نصاری در خود دین مسیحیت و همچنین به نسخ برخی از احکام یهود در دین مسیحیت اشاره شده است.^۵

^۱ - مصطفی زید، النسخ فی القرآن الکریم، (بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۱/۱۹۷۱ م).

^۲ - شعبان محمد اسماعیل، نظریه النسخ فی الشرایع السماویة، [بی جا]، (دارالسلام، ۱۳۹۷ ق).

^۳ - محمد حمزه، دراسات الاحکام و النسخ فی القرآن الکریم، ج ۱، [بی جا]، دارقبتیه، [بی تا].

^۴ - نادي فرج درویش عطار، شرح الاحکام الشرعیة فی التوراة، شریعة موسی، النص و التفسیر، مقارنة بین الاحکام الفقهیة فی التوراة و القرآن و السنة، ج ۱، (جامعة القاهرة، مرکز ابن العطار للتراث، ۲۰۰۴ م).

^۵ - علاء ابوبکر، الناسخ و المنسوخ فی کتاب المقدس، ج ۱، (قاهرة، مکتبة وهبة، ۲۰۰۶/۲۰۰۶ م).

در برخی از کتاب‌ها بدون اشاره به نسخ شرایع، تنها به احکام یهودیت و مسیحت اشاره شده است؛ مانند آنچه که در ذیل می‌آید:

ندوی در کتاب خود فقط نماز، روزه، حج و زکات در ادیان آسمانی را ذکر کرده، بدون اشاره به نسخ آن و به آیات عهدین به ندرت اشاره کرده است.^۱

ایازی نیز در کتاب خود تنها برخی از سنت‌های رایج در میان اعراب و یهودیان و مسیحیان، مانند: ازدواج، طلاق، حج، روزه، تعدد زوجات را ذکر کرده است.^۲

دکتر الشین در کتاب خود تنها احکام یهود را ذکر کرده، بدون اشاره به نسخ آن‌ها. در این کتاب همان احکامی را نام برده که در کتاب‌های دیگر نیز بیان شده است و تنها به احکام محدودی اشاره کرده که در کتب دیگر وارد نشده است؛ از جمله: تحریم ربا، غش در معامله، رشوه، تحریم حسد و سحر.^۳

علامه بلاغی نیز در یکی از کتاب‌های ارزشمند خود به مباحثی در خصوص حقیقت نسخ، نسخ در شرایع الهی و امکان نسخ اشاره دارد و در ادامه نیز برخی از موارد نسخ دین یهودیت و مسیحت را که در کتاب‌های دیگر نیز آمده، ذکر کرده است.

علامه بلاغی این کتاب را در رد کتاب «الهدایة» نگاهشته است این کتاب به زبان انگلیسی نوشته شده و نویسنده آن مجهول است و به وسیله شخصی به نام هاشمی به عربی ترجمه شده و در این کتاب به ساحت مقدس اسلام بی‌احترامی شده است.^۴

شایان ذکر است که احکام ذکر شده در این کتاب‌ها تکراری، یکسان و محدود است. کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد که به جهت تکراری بودن موضوع آنان از ذکر آن‌ها صرف- نظر می‌کنیم

۱.۵. معنی لغوی نسخ

در خصوص تعریف نسخ ابتدا به معنی لغوی و بعد به معنی اصطلاحی آن اشاره می‌شود. از آنجا که دانش ناسخ و منسوخ، از جمله دانش‌های مطرح در حوزه علوم قرآن، تفسیر و اصول فقه است و شناخت پدیده نسخ، هم در نسخ شریعت‌ها و هم در نسخ احکام متغییر شریعت اسلامی بسیار باارزش و سودمند است، بنابراین بررسی لغوی نسخ در مقایسه با لغات دیگر از

۱. ابو الحسن علی حسنی ندوی، ارکان الاربعة (الصلاة، الزكاة، الصوم، الحج) في ضوء الكتاب والسنة، مقارنة مع الديانات الاخرى، (کویت، دار القلم للنشر و التوزيع، ۱۴۱۵/۱۹۹۴ م).

۲. محمد علی ایازی، فقه پژوهی قرآنی، درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام، ج ۱، (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات، ۱۳۸۰).

۳. یوسف احمد الشین، الاديان السماوية بين العقل والنقل، محاضرات في مقارنة الاديان، ج ۱، [بی جا]، (جامعة قاز یونس بنغازی، ۲۰۰۲ م).

۴. محمد جواد بلاغی، اسلام آیین برگزیده، ترجمه کتاب الهدی الی دین المصطفی، (ترجمه احمد صفایی)، ج ۱، [بی جا]، آفاق، [بی تا].

دقت و اهمیت بیشتری برخوردار است و بر این اساس لازم است که در بررسی لغوی، نظریات به طور خلاصه ذکر و دسته‌بندی شود که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

با بررسی کتب لغت به نظر می‌رسد که اکثر لغویون با تکیه بر سه آیه از قرآن^۱ که در واقع تنها در همین آیات به نسخ و مشتق آن اشاره شده است، فقط «استنساخ» را ذکر کرده‌اند، بدون اشاره به مشتقات دیگر آن از جمله «ناسخ» و «منسوخ» که این دو اشتقاق از نظر لغوی و اصطلاحی بی‌ارتباط با نسخ نیستند.

الف. برخی برای کلمه نسخ، تنها یک معنی ذکر کرده‌اند و آن هم ازاله و یا از بین بردن است؛ چنان‌که فراهیدی (م ۱۷۵ق) فقط به همین یک معنی اشاره کرده است که: نسخ، ازاله امری است که به آن عمل می‌شود؛ سپس به وسیله امر دیگری که غیر از امر اول است، نسخ می‌گردد که اولی منسوخ و دومی ناسخ است.

همچنین به «تناسخ ورثه» و «تناسخ زمان» اشاره کرده و این دو را هم، به معنی ازاله گرفته از آن جهت که ورثه و زمان یکی پس از دیگری می‌آیند و گویا یکدیگر را نسخ و زایل می‌کنند.^۲

ب. اکثر لغویون و علمای اسلام برای نسخ بیش از یک معنا بیان کرده‌اند؛ از جمله نحاس (م ۳۳۸ق) است که می‌گوید: نسخ در لغت بر دو معنا اطلاق می‌شود؛ یکی رفع و ازاله است و «نسخت الشمس الظل»، «نسخ الشیب الشباب» و «نسخت الريح الاثار» را به همین معنا گرفته است.

معنی دیگر آن انتقال شیء از یک مکان به مکان دیگر است؛ به نحوی که مستلزم از بین رفتن صورت اول نباشد.^۳

ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ق) نیز برای نسخ به دو معنی «التعفیة» یعنی محو کردن و همچنین تجدید و تکثیر شیء اشاره کرده است.^۴

۱. بقره، ۱۰۶، حج، ۵۲ و جاثیه، ۲۹.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العين، (قم، هجرت، ۱۴۱۰ق)، ج ۴، ص ۲۰۱. طریحی (م ۱۰۸۵ق) نیز نسخ را تنها به معنی ازاله گرفته است؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرين و مطلع النبرین فی غریب الحدیث و القرآن الشریفین، (تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش)، ج ۲، ص ۴۴۴. مصطفی زید نیز نسخ در لغت عربی را به معنی ازاله می‌داند؛ زید، ج ۱، ص ۶۴.

۳. ابی جعفر احمد بن محمد اسماعیل نحاس، الناسخ و المنسوخ فی کتاب الله عزوجل و اختلاف العلماء فی ذلك، ج ۱، (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۱م)، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، (م ۵۰۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، (دمشق-بیروت، دار العلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق)، ج ۱، ص ۸۰۱ و ابی القاسم محمود بن عمر زمخشری، (م ۴۷۶ق)، اساس البلاغة، ج ۱، (بیروت، دار الصادر، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م)، ص ۶۲۹، همین معنی را بیان کرده‌اند.

۴. ابی محمد علی بن حزم اندلسی حازمی، احکام فی اصول الاحکام، ج ۲، (بیروت، دار الحیل، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م)، ج ۱، ص ۴۶۵. زرکشی (م ۷۹۴ق) نیز برای نسخ سه معنا بیان می‌کند؛ ازاله، تحویل و انتقال؛ امام بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، (بیروت، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۴م)، ج ۲، ص ۱۵۹.

شوکانی (م ۱۱۷۳ق) نیز برای نسخ به دو وجه اشاره می‌کند؛ یکی نقل و دیگری ابطال و ازاله. ایشان اضافه می‌کنند که در نزد لغویون وجه دوم به دو نوع تقسیم می‌شود؛ یک نوع از ازاله به این معنی است که چیزی از بین برود و چیز دیگری جای آن را بگیرد و در ادامه به این روایت اشاره می‌کند که «لم تکن نبوة قط إلا تناسخت» یعنی متحول شدن از حالی به حال دیگر.

وجه دوم این که چیزی از بین برود اما چیز دیگری جای آن را نگیرد؛ مانند «نسخت الريح الاثر» باد اثر آن چیز را از بین برد ولی چیز دیگری جای آن را نگرفت.^۱ علامه نسخ را به دو معنا گرفته است؛ یکی زایل کردن و دیگری نقل یک نسخه کتاب به نسخه دیگر است و این عمل را از آن جهت نسخ گویند که گویی کتاب اول را از بین برده و کتاب دیگر به جایش آمده است.^۲

ملاحظه می‌شود که علامه وجه دوم را هم به گونه‌ای بیان کرده‌اند که از آن معنی ازاله به دست می‌آید؛ بنابراین به نظر می‌رسد که ایشان برای کلمه نسخ تنها قائل به معنی ازاله است. آیت‌الله خوئی نیز نسخ را به معنی انتقال، تحول و ازاله گرفته است.^۳

از آنچه که بیان شد به دست می‌آید که برای نسخ معانی، ازاله، انتقال و تحول ذکر شده است؛ اما به نظر می‌رسد که نمی‌توان برای نسخ تنها یک معنی ذکر کرد؛ نظیر کاری که برخی از لغویون انجام داده‌اند و به آن اشاره شد؛ بلکه نسخ از جمله کلماتی است که در بردارنده معانی مختلفی است و با توجه به حوزه کاربردی نسخ، نمی‌توان گفت که نسخ تنها متحمل یک معنی است و بس؛ بلکه با توجه به اهدافی که از نسخ تقاضا می‌شود، معنی آن نیز اختلاف پیدا می‌کند.

در مورد استعمالات عصر نزول کلمه نسخ، می‌توان گفت که با توجه به این که اکثر معانی لغوی که برای نسخ بیان شده، مبتنی بر آیات است، بنابراین استعمالات این کلمه در عصر نزول، چیزی غیر از معنی لغوی آن نیست

۱. محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، (دمشق- بیروت، دار الکتب الطبیب، ۱۴۱۴ق)، ج ۱، ص ۱۴۷. محمد حمزه نیز نسخ را به معنی ازاله و تغییر گرفته است؛ محمد حمزه، ص ۳۷.

۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (قم، انتشارات جامعه مدرسین قم)، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳. ابوالقاسم موسوی خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، (بیروت- لبنان، مؤسسة الاعلی للمطبوعات، ۱۳۹۴هـ/ ۱۹۷۴م)، ص ۲۷۷.

۱.۶. تعریف اصطلاحی نسخ

برخی از علمای معاصر برآنند که ابن ادريس شافعی (م ۲۰۶م) نخستین کسی است که مفهوم اصلی نسخ را دریافته و حدود آن را معین ساخته است؛ ولی به گفته مصطفی زید نویسنده معاصر مصری، چنین چیزی در رساله شافعی وجود ندارد.

در این رساله چنین آمده است که: نسخ یعنی فرض و تکلیف خود را ترک کرد و هیچ تکلیفی نسخ نمی‌شود مگر این که به جای آن تکلیف دیگری وضع شود؛ چنان که قبله بیت - المقدس نسخ گردید و به جای آن کعبه قبله قرار گرفت و هر حکم منسوخی در قرآن و سنت چنین است. وی در ادامه بیان می‌کند که عمل به آن تکلیف منسوخه در وقت خودش حق بوده و ترک آن نیز حق است.^۱

از مجموع سخنان شافعی، طرفداران وی برداشت کرده‌اند که نسخ در اندیشه وی همان رفع تمام حکم اول و اثبات حکم دیگر به جای آن است.^۲ از آن پس از سوی اندیشمندان اهل سنت تعاریف گوناگون از نسخ مطرح شده است.^۳

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) تعریف لغوی و اصطلاحی از نسخ بیان نمی‌کند؛ تنها بر این نکته اشاره دارد که افعال بر سه قسم هستند؛ برخی از افعال حسن هستند؛ مانند اراده افعال واجب و مستحب که تغییر در آن جایز نیست. قسم دیگر افعال قبیح هستند؛ مانند اراده قبیح و فعل جهل و قسم آخر این که برخی از افعال به حسب وجوهی که بر آن واقع می‌شوند، محتمل حسن و قبیح هستند.^۴

عبدالقاهر بغدادی (م ۴۲۹ق) نیز نسخ را به معنی انتهای حکم گرفته است.^۵ ابن حزم (م ۴۵۶ق)^۶ و طبرسی (م ۵۴۸ق)^۷ نسخ را به معنی رفع حکم گرفته‌اند. بحرانی (م ۸۳۶ق) در تعریف نسخ می‌گوید: «نسخ، رفع حکم ثابت است به سبب سرآمدن زمان و روزگار آن؛ خواه آن امر رفع شده از احکام تکلیفی مانند احکام خمس و وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه) باشد یا از احکام وضعی مانند: ضمان، ملکیت و

۱. محمد بن ادريس شافعی، الرسالة، [بی‌جا]، (دار الفکر، ۱۳۰۹هـ)، ص ۱۱۶.

۲. مصطفی زید، ج ۱، ص ۷۵.

۳. محمد تقی دیرایی بیدگلی، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی و پیشینه، اهم منابع و سیر موضوعی نگارش، ج ۱، (قم، انتشارات دانشگاه قم، بهار ۱۳۸۵)، ص ۳۰۴.

۴. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، (بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ج ۱، ص ۳۹۵.

۵. عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، النسخ و المنسوخ فی القرآن، ج ۱، (المکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م)، ص ۱۷.

۶. ابن حزم اندلسی، ج ۱، ص ۴۶۹.

۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش)، ج ۱، ص ۳۴۸.

غیره و خواه از منصب‌های الهی باشد مانند: نبوت یا از امور دیگر که راجع به خداوند است؛ از آن جهت که خدا شارع است.

بنابراین می‌توان گفت: نسخ منحصر به رفع حکم نیست؛ بلکه اعم است. این‌که در معنی اصطلاحی نسخ گفتیم: رفع چیزی که در شریعت ثابت باشد، به دو دلیل است:

الف. یکی این‌که حکم عقل از تعریف خارج شود. مانند اباحه که اصل عقلی است.
ب. برای این است تا رفع حکم به سبب منتفی شدن موضوع آن، از تعریف بیرون رود؛ مانند تمام شدن حکم وجوب روزه ماه رمضان، حج و نماز با تمام شدن وقت آن‌ها؛ چون موضوع حکم از میان رفته است؛ بنابراین رفع احکام روزه، حج و نماز به سبب منتفی شدن موضوع، به معنی نسخ آن‌ها نیست.
برای روشن شدن مطلب، شایان ذکر است که حکمی که در شریعت جعل می‌شود دارای دو نحو از ثبوت است:

الف. یک نحوه از آن، ثبوت آن حکم در عالم تشریح و انشاء است که حکم در این مرحله به نحو قضیه حقیقیه جعل می‌شود که شامل افراد محققه و مقدره است و در این ثبوت حکم، فرق نمی‌کند که موضوع در خارج موجود باشد یا معدوم. مانند حکم حرمت شراب. شراب چه موجود باشد و چه معدوم، حکم آن این است که خوردن شراب حرام است. این حکم که به صورت قضیه حقیقیه است، رفعش جز به نسخ صورت نمی‌گیرد.
ب. نحوه دیگر ثبوت، ثبوت حکم در خارج است که می‌توان این مرحله را فعلیت حکم نامید.

وقتی گفته می‌شود که شراب حرام است، این حرمت ثابت است تا زمانی که موضوع آن مستمر است و اگر شراب سرکه شود چون موضوع تغییر یافته است، حکم حرمت که برای شراب ثابت بود رفع می‌شود؛ ولی رفع این حکم، نسخ نیست^۱.

رحمة الله کیرانوی (م ۱۳۰۸ق) می‌گوید: نسخ بیان مدت انتهای حکم عملی جامع الشروط است؛ از این نظر که نسخ بر اموری که در ذیل می‌آید، تعلق نمی‌گیرد؛ مانند:

قصص، امور قطعی عقلی مانند: «إن صانع العالم موجود»، امور حسی مانند: «ضوء النهار»، ادعیه، احکام واجب و ابدی مانند: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و کسانی که نسبت زنا

۱. شهاب الدین احمد بحرانی، شرح کتاب الفاسخ و المنسوخ، (ترجمه سید عبد الجلیل حسینی فارسی؛ محمد جعفر اسلامی)، ج ۲، [بی جا]، (بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰ش)، ص ۱۸-۱۹.